

## **Designing the Mode of strengthening the political capital of governmental managers**

**Afshin Bazgir\***

**Hossein Azimi\*\***

### **Abstract**

The purpose of the present research is modeling the effective factors on strengthening the political capital of government administrators. The research is descriptive-exploratory, applied, and in terms of the method of data collection is a mixed research. The statistical population of the research is experts in the field of political science in the government institutions of Isfahan province, who were selected based on their organizational position, education, experience, and reputation due to their expertise and knowledge in this field. In the qualitative phase of the research, according to the principle of theoretical adequacy, 11 people were selected for the interview with non-probability judgmental sampling method. In the quantitative part, the questionnaire was distributed among 25 experts. To analyze the data, the SIM approach was used through MATLAB software. Based on the results, the characteristics of managers, including: respect for people's rights, religiosity and religious thought, justice, occupational health, political attitude, economic management, and transparency and accurate information to the people with a role independent in the model, and the factors of political support of parties and... from the government, acceptability and personality, authority and executive power, political legitimacy, social capital, attention to the development and development of the country, people's trust, cultural capital and public participation of the people in elections, and ..... had a dependent role in the model.

**Keywords:** Political Capital, Trust, Structuralinterpretive, Modeling.

\* Lecture in Governmental management, Payam e Noor university. Tehran, Iran (Corresponding Author),  
afbazgir@pnu.ac.ir

\*\* Ph.D. Candidate of Organizational behaviour Management, Lorestan University, azimi.ho@fc.lu.ac.ir

Date received: 08/07/2023, Date of acceptance: 10/01/2023





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## طراحی مدل تقویت سرمایه سیاسی مدیران دولتی

افشین بازگیر\*

حسین عظیمی\*\*

### چکیده

هدف تحقیق حاضر طراحی مدل تقویت سرمایه سیاسی مدیران دولتی است. تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی، و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-اکتشافی و از نوع تحقیقات آمیخته است. جامعه آماری تحقیق کارشناسان حوزه علوم سیاسی در دستگاه‌های دولتی استان اصفهان می‌باشند، که از این افراد براساس پست سازمانی، تحصیلات، تجربه و شهرت به واسطه تخصص و دانش در این حوزه انتخاب شدند. در مرحله کیفی تحقیق با توجه به اصل کفایت نظری، ۱۱ نفر با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی قضاوتی، برای مصاحبه انتخاب شد. در بخش کمی، پرسشنامه در میان ۲۵ نفر خبرگان توزیع گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از رویکرد مدلسازی ساختاری-تفسیری از طریق نرم افزار متلب، استفاده شد. براساس نتایج به دست آمده، ویژگی‌های مدیران، از جمله: رعایت حقوق مردم، دینداری و اندیشه دینی، عدالت، سلامت کاری، نگرش سیاسی، مدیریت اقتصادی و شفافیت و اطلاع‌رسانی و دقیق به مردم دارای نقش مستقل در مدل، و عوامل حمایت سیاسی احزاب و ... از دولت، مقبولیت و شخصیت، اقتدار و قدرت اجرایی، مشروعیت سیاسی، سرمایه اجتماعی، توجه به عمران و آبادانی کشور، اعتماد مردم، سرمایه فرهنگی و مشارکت عمومی مردم در انتخابات، و ..... دارای نقش وابسته در مدل بودند.

**کلیدواژه‌ها:** سرمایه سیاسی، اعتماد، مدلسازی ساختاری-تفسیری.

\* مربی گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران (نویسنده مسئول)، [afbazgir@pnu.ac.ir](mailto:afbazgir@pnu.ac.ir)

\*\* دانشجوی دکتری مدیریت رفتار سازمانی، دانشگاه لرستان، [azimi.ho@fc.lu.ac.ir](mailto:azimi.ho@fc.lu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰



## ۱. مقدمه

در عصر مدرن، دموکراسی و تحقق آن زمینه مشارکت سیاسی را فراهم کرده است. امروزه اکثر نظام‌های سیاسی در پی آن هستند تا میزان مشارکت سیاسی شهروندان را افزایش داده و مشروعیت بیشتری به نظام سیاسی خود ببخشند. در واقع مردم با مشارکت عمومی در سرنوشت مشترک خود، خویشتن را با حکومت و سازمان اجرایی جامعه هماهنگ و در تعامل می‌بینند. این امر باعث می‌شود که منابع قدرت ملی جامعه نیز نه صرفاً در جهت حفظ ثبات رژیم سیاسی بلکه در جهت تغییرات مطلوب و مبتنی بر مصالح عمومی مردم و اصلاح و ساماندهی امور جامعه به کار رود. به علاوه بهره‌مندی نظام سیاسی از میزان بالای مشارکت عمومی، عامل ثبات و تداوم بیشتر و نیز بقا و ماندگاری آن نظام است. عوامل گوناگونی بر میزان مشارکت سیاسی تأثیرگذار است که از جمله آن می‌توان به اعتماد سیاسی، سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی و... اشاره کرد (ستاردستنائی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۱). وجود سرمایه سیاسی برای مدیران دولتی زمانی که برای دستیابی به اهداف عالی هزینه شود باعث ایجاد اعتبار و مشروعیت می‌شود (Costello, 2019:57). با توجه به رابطه همه جانبه‌ای که امروزه میان دولت و مردم وجود دارد، سرمایه سیاسی و اعتماد سیاسی از آن چنان جایگاه و اهمیتی برخوردار است که می‌توان از آن بعنوان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های میزان مشروعیت و مقبولیت حکومت‌ها تلقی کرد (مرادی و دلاور، ۱۳۹۸: ۸۹). سرمایه سیاسی برای حاکمیت اغلب به عنوان میزان مشارکت شهروندان در انتخابات مختلف و نگرش و هنجارهای جامعه تعریف می‌شود. در تحقیقات سیاسی سرمایه سیاسی به عنوان ارزش‌های سیاسی و ایدئولوژیک شناخته می‌شود که مسیر و الویتها را در سیاست نشان می‌دهد.

در انتخابات و کارزارهای سیاسی، سرمایه سیاسی به طور گسترده‌ای به عنوان منبع شهرت نامزدهای انتخاباتی شناخته می‌شوند. دولت‌ها برای بقاء، مشروعیت و مشارکت مردمی، نیاز به افزایش میزان سرمایه سیاسی خود در بین مردم دارند (Yun, 2020:2). سرمایه سیاسی به ارزش ایجاد شده برای دولت در سراسر جهان کمک می‌کند، مدیران دارای سرمایه سیاسی می‌توانند از طیف گسترده‌ای از مزایا از جمله حمایت دولت و مردم در برابر رقبا بهره‌مند شوند (Li&Cheng, 2019:34). همچنین دارندگان سرمایه سیاسی می‌توانند فرصت‌های جدید ایجاد کنند و برداشت محصول بیشتر و مزایای اقتصادی برای خود ایجاد کنند. سرمایه سیاسی می‌تواند برای مدیران ایجاد سرمایه کند؛ یعنی مدیرانی که دارای سرمایه سیاسی هستند می‌توانند ارزش و مزیت ایجاد کرده و از طریق آن کسب مشروعیت، منابع و اعتبار برای خود و دیگران داشته باشند (Feng, Song & Yang, 2020:19). سرمایه سیاسی از طریق منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

ایجاد و ذخیره می‌گردد و برای ایجاد یک جریان قدرت مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس می‌توانیم به ایجاد سرمایه سیاسی فکر نماییم، همانطور که به ایجاد هر منبع ارزشی دیگری می‌اندیشیم و ارزش هزینه را دارد. سرمایه سیاسی ایجاد شده با گذشت زمان زیاد یا کم می‌شود (Ocasio, Pozner & Milner, 2020:40). سرمایه سیاسی حتی با نوآوری نیز ارتباط دارد ولی یک رابطه غیرخطی بین آنها برقرار می‌باشد (Xia & Liu, 2022:776). از اینرو برای بیان مساله تحقیق به این موارد می‌توان اشاره کرد: دولت‌ها برای جلب مشارکت مردم در صحنه‌های مختلف از جمله کارزار انتخاباتی، اجتماعات سیاسی، سخنرانی‌های مقامات سیاسی و همچنین جلب اعتماد آنها نیاز به ایجاد سرمایه سیاسی دارند. مسأله مهم برای دولت‌ها حمایت‌شدن برنامه‌ها و طرح‌های برنامه‌ریزی شده آنان از طرف مردم است، از این رو با ایجاد و تقویت سرمایه سیاسی می‌توانند به این مهم دست پیدا کرده و نتیجه آن پیشبرد بهتر برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و کسب مقبولیت داخلی و بین‌المللی، دولت‌های دارای سرمایه سیاسی در مجمع بین‌المللی از اعتبار بیشتری برخوردارند، بنابراین ایجاد و افزایش سطح سرمایه سیاسی برای مدیران دولتی مسأله مهم و حیاتی هست. بنابراین مسئله اصلی این است که عوامل مؤثر در تقویت سرمایه سیاسی در دستگاه‌های دولتی چیست؟

## ۲. مروری بر ادبیات تحقیق و پیشینه پژوهش

سازمان سیاسی در معنای جدید دارای کارکردها و کارویژه‌هایی است. تحقق هر کدام از این کارکردها به محیط و بستر اجتماعی اندیشه مدرن برمی‌گردد. سازمان سیاسی مدرن، قرار است حقوق فرد انسانی را برآورده و محقق کند؛ مهم شدن این سازمان سیاسی که شکل دهنده به سازمان سیاسی می‌باشد قدم گذاشتن در وضع مدنی است. در وضع جدید (وضع مدنی) اعتماد مردم به یکدیگر از یکطرف و اعتماد مردم به نظام سیاسی از طرف دیگر و همچنین مدارای نظام سیاسی با مردم و مدارای مردم با نظام سیاسی دارای اهمیت می‌شود و اینکه مردم و دولت‌ها در نظر متفکران کلاسیک دارای چه جایگاه و حد و حدودی هستند به تعریف آنها از نوع نیاز و مسئله زمانه برمی‌گردد (امیری‌پریان، کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۹: ۵). در جوامع جدید حکومت در عرصه‌های گوناگون زندگی مردم وارد می‌شود و نقش‌های متفاوتی برعهده می‌گیرد. با توجه به رابطه تنگاتنگی که بین حکومت و مردم بوجود آمده است، وجود اعتماد و سرمایه سیاسی میان این دو بخش از جامعه به ویژه اعتماد مردم به حکومت از امور بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. به طوری که بین میزان اعتماد مردم و مسئله مقبولیت

حکومت به خصوص در جوامعی که نگرش به دموکراسی بر آنها حاکم است، رابطه مستقیم و آشکاری وجود دارد (رهبر و ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۱۳۶). نهج البلاغه خطبه ۳۴ فراز ۱۰:

ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آنکه از خیر خواهی شما دریغ نوزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نمانید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید. و اما حق من بر شما این است که بر بیعت با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید؛ هرگاه شما را خواندم اجابت نمایید و هرگاه فرمان دادم اجابت نمایید

از این خطبه استنباط می شود که اعتماد و سرمایه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع) تعامل درست مردم و حاکم و انجام وظایف هر کدام در مقابل دیگری است. در صورتی که هم مردم و هم حاکم به وظیفه ادای حقوق یکدیگر عمل نمایند، آثار مثبت این تعامل در جامعه و نظام سیاسی آشکار می گردد (شایگان، ۱۳۹۴: ۱۲۷). آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران: کاهش اعتماد موجب زوال نظام سیاسی می گردد. این مضمون فراگیر نشان می دهد که اعتماد به بقای نظام سیاسی گره خورده است. اگر نظام سیاسی اعتماد مردم را از دست بدهد دیگر امیدی به حفظ و ادامه ی آن نیست. اعتقاد به این باور لازم است در تمام دستگاه های اجرایی و دولتی تسری یابد و نظام سیاسی به این نتیجه برسد که برای بقاء خود نیازمند اعتماد مردم است. (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۱). در اندیشه اسلامی، دولت باید هم رفاه گستر باشد و هم فضیلت گستر، هم جان و مال و ناموس افراد را حفظ کند و هم معنویت و اخلاق فرد و جامعه را تعالی بخشد و در موارد تعارض حقوق جامعه را بر فرد و جانب فضیلت رابر جانب رفاه و مادیت رجحان دهد (درخشه و لطیفی، ۱۳۹۷: ۱۹۹). سرمایه یک منبعی است که برای مصرف فوری مورد استفاده قرار نمی گیرد بلکه برای تولید درآمد و ارزش بلندمدت استفاده می شود (Cao, et.al, 2017:5). سرمایه در اشکال مختلف آن افراد و بازیگران را قادر می سازد تا به منابع کمیاب و ارزشمند در چارچوب مشخصی دسترسی داشته باشند. در نتیجه انواع سرمایه به عنوان یک منبع در اختیار افراد قرار می گیرد تا قدرت بدست آورده و بر تصمیمات، اقدامات و نتایج سازمان اثرگذار باشن (Ibid, 2020:3). بخش اعظم ادبیاتی که از سرمایه استفاده می کنند بر سرمایه اجتماعی تمرکز دارند. اما اشکال دیگر سرمایه مانند اقتصادی، انسانی، معنوی، فرهنگی، بروکراتیک، فکری و نمادین نیز مورد بررسی قرار گرفته و ذره ذره در حال توسعه یافتن هست و روابط متقابل و همپوشانی در تعاریف بین آنها وجود دارد. سرمایه سیاسی و سرمایه اجتماعی باهم ارتباط مستقیم دارند. همچنین رابطه مثبت بین سرمایه سیاسی و تحرکات اجتماعی وجود

دارد و پویایی اجتماعی افراد تحت تأثیر سرمایه سیاسی اعضای خانواده نیز قرار می‌گیرد (Ling et al., 2019:15). تحقیقات نشان می‌دهند که گرایش‌های سیاسی و سرمایه اجتماعی بر تصمیمات مدیران دولتی تأثیرگذار است و احتمالاً سرمایه اجتماعی و تمایلات سیاسی بر تصمیم‌گیری مدیران مؤثر است. افراد وقتی با شبکه اجتماعی در ارتباطند و پایگاه حمایتی دارند بیشتر مورد اعتمادند (Jha, 2017:34). هرچند سرمایه سیاسی با سرمایه اجتماعی ارتباط و شباهت‌هایی دارد اما مفهومی متفاوت از آن است این تفاوت‌ها از آنجا آغاز می‌شود که واژه سرمایه اجتماعی ابتدا توسط بورديو در سال ۱۹۸۳ و کلمان در سال ۱۹۸۸ به عنوان ویژگی گروه‌ها مفهوم‌پردازی شد. سپس پوتنام از طریق این ادعا که سرمایه اجتماعی می‌تواند تجمع شود و دولت را تحت تأثیر قرار دهد، آن را در نظریه جامعه‌شناسی کلان مطرح کرد پوتنام سرمایه اجتماعی را شامل شبکه‌ها، اعتماد و هنجارها می‌داند که کار با یکدیگر، در جهت دستیابی به اهداف مشترک را تسهیل می‌کند. وی سرمایه اجتماعی را، برخلاف دیگر سرمایه‌ها- که کالایی خصوصی هستند- کالایی عمومی می‌داند. این تفاوت‌ها سرانجام در نقطه پیامدها پایان می‌یابد چرا که پیامد سرمایه اجتماعی اعتماد است و پیامد سرمایه سیاسی مشروعیت (عبادی، قلی پور، پیران نژاد، ۱۳۹۳: ۳۴). اگر برای هر فضا زمان (عرصه) سرمایه‌ای در نظر بگیریم عرصه سیاست نیز به سرمایه نیازمند است. از این منظر می‌توان سرمایه سیاسی را هم کلان و کلی قلمداد کرد، اولین استفاده از واژه سرمایه سیاسی مربوط به سال ۱۸۴۲ میلادی در آمریکا است (Yu, 2023: 31). یکی از راه‌های افزایش سرمایه سیاسی داشتن نفوذ اجتماعی است دولت‌ها برای بدست آوردن مشروعیت و ادامه حیات به مذاکره و قدرت چانه‌زنی روی می‌آورند و روابط خود را گسترش می‌دهند و از طریق سرمایه اجتماعی سعی در ایجاد سرمایه سیاسی دارند (Hou & Zhu, 2020:6). بورديو در مقاله «نماینده‌گی سیاسی: عناصری برای یک نظریه در حوزه سیاسی»، در سال ۱۹۸۱ به شکل جدیدی از سرمایه یعنی سرمایه سیاسی اشاره می‌کند و آن را این گونه تعریف می‌کند: «سرمایه سیاسی شکلی از سرمایه نمادین است. اعتباری که بر مبنای اعتقاد، باور و شناخت و عملکرد پایه‌ریزی شده است و از آن طریق، افراد به یک شخص قدرت زیادی اعطا می‌کنند». او سرمایه سیاسی را قدرت سیاسی می‌داند، قدرتی که از اعتماد یک گروه از پیروان به سیاستمداران، نشأت می‌گیرد. بنابراین با افزایش یا کاهش اعتماد، سرمایه سیاسی یک سیاستمدار تغییر می‌کند (Bourdieu, 1991:192). مجموع نگرش نسبت به برقراری ارتباط با دولت و فعالیت‌های سیاسی سرمایه سیاسی است همچنین سرمایه سیاسی نگرش‌ها و رفتارهای شهروندان است که سیستم سیاسی، دولت، متصدیان در دولت، گروه‌های

اجتماعی و هم چنین خود شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ابعاد سرمایه سیاسی به سه دسته مشارکت سیاسی، هنجارهای سیاسی و حمایت از نهادهای سیاسی تقسیم می‌شود (Li & Cheng, 2019:23). سرمایه سیاسی از منابع نامشهود تشکیل شده که در زمینه‌های مختلف سیاسی و غیرسیاسی قابل استفاده است و ایجاد ارزش می‌کند و در ابعاد مختلف تعریف و طبقه‌بندی می‌شود (Yun, 2020:1). سرمایه سیاسی می‌تواند به طور قابل توجهی باعث افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی و افزایش کارآفرینی شود، در افزایش سرمایه سیاسی ادارات دولتی نقش مهمی ایفا می‌کنند. یدونگ (Yedong, 2021:19) سرمایه سیاسی را بعنوان قدرت اجتماعی تعریف می‌کند که از طریق اعتبار و خوش‌نامی و اتحاد بدست می‌آید. و این قدرت اجتماعی می‌تواند برای تأثیرگذاری بر تصمیمات و تغییر در سطح سازمان مورد استفاده قرار گیرد (Costello, 2019:58). تحقیقات متعددی به بررسی سرمایه سیاسی پرداخته‌اند که در این بخش به برخی از آنها اشاره می‌شود: تامسون (Thomson) در سال ۲۰۰۷ به نقش وسایل ارتباط جمعی در افزایش آگاهی سیاسی و در نتیجه افزایش مشارکت سیاسی اشاره کرده است. وی در این پژوهش نشان می‌دهد که افراد تمایل دارند تا از نظر سیاسی فعال‌تر باشند و احتمال بیشتری دارد که اطلاعات سیاسی را در برنامه‌های تلویزیونی دنبال کنند. گزنالز و پریم (González & Prem, 2018) تحقیقی با عنوان «ارزش سرمایه سیاسی برای افرادی که پیوندهای سیاسی دارند چقدر است؟» انجام دادند. اعضای هیات مدیره که قبلاً با دیکتاتورها در شیلی همکاری می‌کردند و رابطه داشتند، در پست‌های بالاتر منصوب شدند و مزایای بیشتری کسب کردند، نتایج نشان می‌دهد مزیت اقتصادی برای افرادی که دارای سرمایه سیاسی هستند، وجود دارد. اما بعد از ایجاد دموکراسی و از بین رفتن بروکراسی، این مزیت و پاداش کاهش یافته و حذف شده است. ونگ (Wang) و همکاران در ۲۰۲۲ در تحقیقی به بررسی این موضوع پرداختند که چگونه شرکت‌های چندملیتی از سرمایه سیاسی تحت مالکیت خود - روابط سیاسی و هویت سیاسی - در پاسخ به خलाهای نهادی در بستر کشور میزبان استفاده می‌کنند. نتایج ای مطالعه نشان داد که شرکت‌های چندملیتی از سرمایه سیاسی داخلی برای پاسخ بهتر به خلاهای قانونی و نهادی در کشور میزبان استفاده می‌کنند. واگزام (Waxham) در سال ۲۰۱۹ در تحقیق خود به این نتیجه می‌رسد که سرمایه سیاسی از قدرت سیاسی متمایز است و سرمایه سیاسی را وسیله‌ای برای کسب قدرت سیاسی می‌داند و قدرت را حاصل سرمایه سیاسی می‌بیند نه مترادف با آن و بیان می‌کند که سرمایه سیاسی یک وسیله هست و قدرت هدف، سرمایه سیاسی ابزاری برای دستیابی به قدرت سیاسی است و بین آن دو تفاوت مشهود



وجود دارد. در واقع می‌توان گفت سرمایه سیاسی نوعی سرمایه نمادین است. لیو (Liu) و همکاران (Liu & et.al, 2013)، در مطالعه‌ای به بررسی ارزش سرمایه سیاسی در بازار سرمایه (فروش اولیه سهام) چین می‌پردازند. نتایج این پژوهش حاکی از وجود رابطه مثبت میان ارتباطات سیاسی مدیر و احتمال تأیید بازار سرمایه (فروش اولیه سهام) شرکت‌های کارآفرین بود. همچنین سهام‌داران برای ارتباطات سیاسی ارزش قائل بوده و به شرکت‌های دارای این ارتباطات، حق بیمه می‌دهند. در نهایت نتایج نشان‌دهنده تأثیر وجود سرمایه سیاسی و بهبود سودآوری شرکت بود.

با توجه به مطالب ارائه‌شده در بخش‌های قبل سوالات تحقیق به صورت زیر مطرح می‌شوند:

۱. عوامل مؤثر بر تقویت سرمایه سیاسی مدیران دولتی کدامند؟

۲. الگوی عوامل شناسایی‌شده در تقویت سرمایه سیاسی مدیران دولتی چگونه است؟

۳. عوامل شناسایی‌شده دارای چه نقشی در مدل طراحی‌شده هستند؟

### ۳. روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی - اکتشافی بوده، همچنین این پژوهش از نوع تحقیقات آمیخته (کیفی - کمی) با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM) است. بدین صورت که در مرحله شناسایی عوامل با استفاده از روش‌های کیفی (مصاحبه و مراجعه به مبانی نظری) اقدام به شناسایی عوامل مؤثر بر تقویت سرمایه سیاسی مدیران شد و سپس با استفاده از روش کمی (بخش آماری ISM) اقدام به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ای گردید که بر اساس اطلاعات مرحله کیفی، طراحی شده است. در مرحله شناسایی عوامل، ابتدا مطالعات انجام شده در زمینه سرمایه سیاسی مطالعه گردید و برخی عوامل استخراج شدند. سپس برای تکمیل این عوامل، اقدام به مصاحبه با خبرگان و کارشناسان حوزه علوم سیاسی در دستگاه‌های دولتی استان اصفهان شد. این افراد براساس پست سازمانی، تحصیلات، سابقه و تجربه در حوزه علوم سیاسی و میزان شهرت در میان سایر کارکنان به واسطه تخصص و دانش در این حوزه، انتخاب شدند. نمونه‌گیری براساس اصل کفایت نظری انجام گرفت. محقق در مصاحبه با کارشناس هشتم، اطلاعات تکراری دریافت نمود و لذا مصاحبه با ۱۱ نفر تکمیل شد. جدول (۱) نتایج حاصل از مطالعات محققین و مصاحبه با خبرگان می‌باشد.

جدول ۱. عوامل مؤثر در تقویت سرمایه سیاسی مدیران (یافته‌های محقق)

ردیف	نماد	مولفه ها	منبع
۱	F <sub>1</sub>	رعایت حقوق مردم از سوی دستگاه‌های دولتی	تحقیقات گذشته
۲	F <sub>2</sub>	دینداری و اندیشه‌های دینی مدیران دولتی	مصاحبه
۳	F <sub>3</sub>	مردم سالاری دینی دولت	تحقیقات گذشته و مصاحبه
۴	F <sub>4</sub>	حمایت سیاسی احزاب و گروه‌ها و... از دولت	تحقیقات گذشته
۵	F <sub>5</sub>	سلامت کاری و مبارزه با فساد مدیران دولتی	مصاحبه
۶	F <sub>6</sub>	مقبولیت و شخصیت مدیران دولتی	مصاحبه
۷	F <sub>7</sub>	مشارکت عمومی مردم در انتخابات، همه پرسی، اجتماعات	مصاحبه
۸	F <sub>8</sub>	عدالت و انصاف مدیران دولتی	مصاحبه
۹	F <sub>9</sub>	نگرش سیاسی مدیران دولتی	تحقیقات گذشته
۱۰	F <sub>10</sub>	مشروعیت سیاسی مدیران دولتی	تحقیقات گذشته
۱۱	F <sub>11</sub>	اقتدار و قدرت اجرایی مدیران دولتی	مصاحبه
۱۲	F <sub>12</sub>	سرمایه اجتماعی مدیران دولتی	مصاحبه
۱۳	F <sub>13</sub>	سرمایه فرهنگی مدیران دولتی	مصاحبه
۱۴	F <sub>14</sub>	شفافیت و اطلاع رسانی درست و دقیق به مردم	مصاحبه
۱۵	F <sub>15</sub>	توجه به عمران و آبادانی کشور	مصاحبه
۱۶	F <sub>16</sub>	اعتماد مردم به مدیران	تحقیقات گذشته
۱۷	F <sub>17</sub>	مدیریت اقتصادی دولت	مصاحبه

براساس عوامل ارائه شده در جدول (۲) پرسشنامه تحقیق طراحی شد. برای پاسخگویی به پرسشنامه تحقیق، مدیران، خبرگان و کارشناسان حوزه علوم سیاسی سازمان‌های دولتی استان اصفهان به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند. تعداد ۲۵ نفر از این افراد به روش غیراحتمالی قضاوتی به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این افراد در جدول (۲) آمده است:





طراحی مدل تقویت سرمایه سیاسی ... (افشین بازگیر و حسین عظیمی) ۱۴۵

گام شماره	F <sub>1</sub>	F <sub>2</sub>	F <sub>3</sub>	F <sub>4</sub>	F <sub>5</sub>	F <sub>6</sub>	F <sub>7</sub>	F <sub>8</sub>	F <sub>9</sub>	F <sub>10</sub>	F <sub>11</sub>	F <sub>12</sub>	F <sub>13</sub>	F <sub>14</sub>	F <sub>15</sub>	F <sub>16</sub>	F <sub>17</sub>	قدرت نفوذ
F <sub>4</sub>	0	0	0	1	0	1	1	0	0	1	1	1	1	0	1	1	0	9
F <sub>5</sub>	1	0	0	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	14
F <sub>6</sub>	0	0	0	1	0	1	1	0	0	1	1	1	1	0	1	1	0	9
F <sub>7</sub>	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1
F <sub>8</sub>	1	0	0	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	14
F <sub>9</sub>	1	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	15
F <sub>10</sub>	0	0	0	0	0	0	1	0	0	1	0	1	0	0	0	1	0	4
F <sub>11</sub>	0	0	0	1	0	1	1	0	0	1	1	1	1	0	1	1	0	9
F <sub>12</sub>	0	0	0	0	0	0	1	0	0	1	0	1	0	0	0	1	0	4
F <sub>13</sub>	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	2
F <sub>14</sub>	1	0	0	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	14
F <sub>15</sub>	0	0	0	1	0	1	1	0	0	1	1	1	1	0	1	1	0	9
F <sub>16</sub>	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1
F <sub>17</sub>	1	0	0	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	14
وابستگی میانگین	8	1	1	12	8	12	16	8	1	14	12	14	13	8	12	15	8	

بعد از سازگار کردن ماتریس، متغیرهای شناسایی شده سطح بندی می شوند. برای تعیین سطح و اولویت متغیرها، مجموعه های ورودی و خروجی برای هر متغیر به عمل آمد. سپس به منظور اولویت بندی، متغیرهایی که مجموعه خروجی و مشترک آنها کاملاً مشابه باشد، در بالاترین سطح از سلسله مراتب مدل ISM قرار می گیرند. برای مشخص کردن اجزای سطح بعدی سیستم، متغیر سطح بندی شده از جدول حذف و با بقیه متغیرهای باقی مانده جدول بعدی شکل داده می شود و این عمل تا تعیین سطح همه متغیرها ادامه داده خواهد شد.

جدول ۵. سطح بندی متغیرهای تحقیق

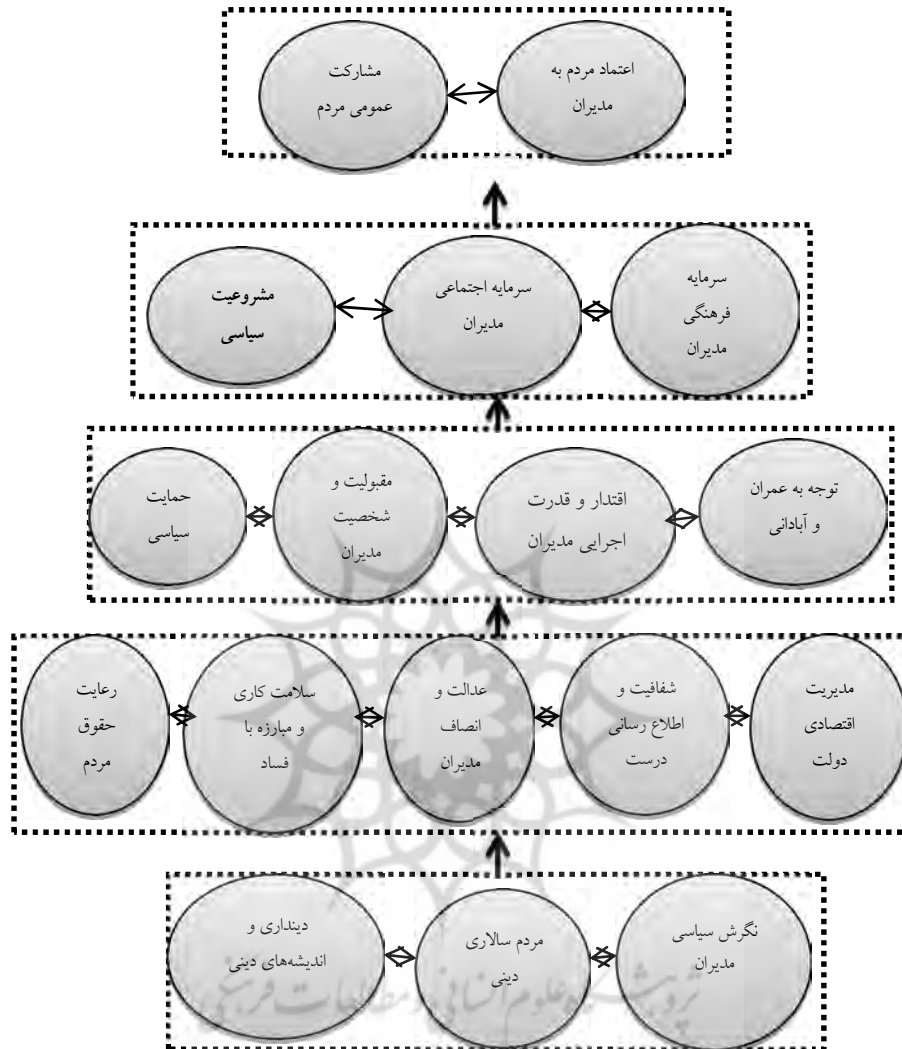
سطح	مجموعه مشترک	مجموعه ورودی	مجموعه خروجی	متغیرها
سطح ۴	۱۷-۱۴-۸-۵-۱	۱۷-۱۴-۹-۸-۵-۳-۲-۱	۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۸-۷-۶-۵-۴-۱ ۱۷-۱۶-۱۵	F <sub>1</sub>
سطح ۵	۲	۲	۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۸-۷-۶-۵-۴-۲-۱ ۱۷-۱۶-۱۵-۱۴	F <sub>2</sub>

۱۴۶ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲

متغیرها	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
F <sub>3</sub>	-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۱ ۱۷-۱۶-۱۵-۱۴	۳	۳	سطح ۵
F <sub>4</sub>	۱۶-۱۵-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۷-۶-۴	-۱۱-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۱۷-۱۵-۱۴	۱۵-۱۱-۶-۴	سطح ۳
F <sub>5</sub>	-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۸-۷-۶-۵-۴-۱ ۱۸-۱۷-۱۶-۱۵	۱۷-۱۴-۹-۸-۵-۳-۲-۱	۱۷-۱۴-۸-۵-۱	سطح ۴
F <sub>6</sub>	۱۶-۱۵-۱۲-۱۱-۱۰-۷-۶-۴	-۱۱-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۱۷-۱۵-۱۴	۱۵-۱۱-۶-۴	سطح ۳
F <sub>7</sub>	۷	-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۱۷-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱	۷	سطح ۱
F <sub>8</sub>	-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۸-۷-۶-۵-۴-۱ ۱۷-۱۶-۱۵	۱۷-۱۴-۹-۸-۵-۳-۲-۱	۱۷-۱۴-۸-۵-۱	سطح ۴
F <sub>9</sub>	-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۱ ۱۷-۱۶-۱۵-۱۴	۹	۹	سطح ۵
F <sub>10</sub>	۱۶-۱۲-۱۰-۷	-۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۱۷-۱۵-۱۴-۱۲-۱۱	۱۲-۱۰	سطح ۲
F <sub>11</sub>	۱۶-۱۵-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۷-۶-۴	-۱۱-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۱۷-۱۵-۱۴	۱۵-۱۱-۴	سطح ۳
F <sub>12</sub>	۱۶-۱۲-۱۰-۷	-۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۱۷-۱۵-۱۴-۱۲-۱۱	۱۲-۱۰-۷	سطح ۲
F <sub>13</sub>	۱۳-۷	-۱۱-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۱۷-۱۵-۱۴-۱۳	۱۳	سطح ۲
F <sub>14</sub>	-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۸-۷-۶-۵-۴-۱ ۱۶-۱۵	۱۷-۱۴-۹-۸-۵-۳-۲-۱	۱۷-۱۴-۸-۵-۱	سطح ۴
F <sub>15</sub>	۱۶-۱۵-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۷-۶-۴	-۱۱-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۱۷-۱۵-۱۴	۱۵-۱۱-۴	سطح ۳
F <sub>16</sub>	۱۶	-۱۰-۹-۸-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۱	۱۶	سطح ۱
F <sub>17</sub>	-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۸-۷-۶-۵-۴-۱ ۱۷-۱۶-۱۵	۱۷-۱۴-۹-۸-۵-۳-۲-۱	۱۷-۱۴-۸-۵-۱	سطح ۴

پس از تعیین روابط و مشخص شدن سطح متغیرها می توان مدل نهایی آن را با توجه به ماتریس دستیابی سازگار شده ترسیم کرد. به همین منظور ابتدا متغیرها بر حسب سطح از بالا به پایین مرتب می شوند. سپس روابط متغیرها مشخص می شود.

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، متغیرهای تحقیق در ۵ سطح قرار گرفته اند. با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل داده های تحقیق، مدل پژوهش به صورت نمودار (۱) ترسیم گردید. در مدل زیر روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف به خوبی نشان داده شده است که موجب درک بهتر فضای تصمیم گیری به وسیله مدیران می گردد. معیارهای سطح پنجم (از پایین مدل به سمت بالا) بیشترین ارتباط و تأثیر را بر سیستم دارند و با تغییر آنها سیستم دچار تغییر می شود. معیارهایی که در سطوح بالاتر قرار دارند، از تأثیرگذاری کمتری برخوردار می باشند و بیشتر تحت تأثیر سایر معیارها می باشند. (در این گام با توجه به سطوح معیارها در ISM و روابط بین آنها ترسیم شبکه تعاملات ایجاد می شود. سطح یک به عنوان تأثیرپذیرترین سطح و سطح آخر به عنوان تأثیرگذارترین سطح نیز انتخاب می شود). چنانچه در نمودار شماره ۱ مشاهده می گردد اعتماد مردم به مدیران و مشارکت عمومی مردم در سطح اول قرار داشته یعنی کمترین اثرگذاری را دارند و نگرش سیاسی مدیران، مردم سالاری دینی و دینداری و اندیشه های دینی در سطح پنجم، و بیشترین اثرگذاری را دارند.



نمودار ۱. عوامل مؤثر بر تقویت سرمایه سیاسی مدیران

در این بخش از پژوهش، تجزیه و تحلیل MICMAC انجام گرفت.



متغیرهای مستقل										متغیرهای ارتباطی																							
																				۱۷													
																				۱۶													
																				۱۵													
																				۱۴													
																				۱۳													
																				۱۳													
																				۱۱													
																				۱۰													
																				۹													
																				۸													
																				۷													
																				۶													
																				۵													
																				۴													
																				۳													
																				۲													
																				۱													
متغیرهای خودگردان										متغیرهای وابسته																							
۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۳	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
میزان وابستگی																																	

نمودار ۲. نتایج آزمون MICMAC

نمودار میک‌مک براساس نمرات قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر عامل ترسیم می‌شود تا مشخص شود هر عامل دارای چه نقشی (خودگردان، مستقل، ارتباطی و یا وابسته) در پژوهش است.

### ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به شناسایی و مدل‌سازی عوامل مؤثر بر تقویت سرمایه سیاسی مدیران در سازمان‌های دولتی استان اصفهان پرداخته شد. عوامل مذکور با مراجعه به تحقیقات گذشته و مصاحبه با خبرگان شناسایی شدند و سپس با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری سطح‌بندی شده و مدل متناسب با آن ترسیم شد. براساس نتایج به دست آمده که در جداول (۴) و (۵) و نمودارهای (۱) و (۲) ارائه شده‌اند، عوامل رعایت حقوق مردم از سوی

دستگاه‌های دولتی، دینداری و اندیشه‌های دینی مدیران دولتی، مردم سالاری دینی دولت، عدالت و انصاف مدیران دولتی، سلامت کاری و مبارزه با فساد مدیران دولتی، نگرش سیاسی مدیران دولتی، مدیریت اقتصادی دولت و شفافیت و اطلاع رسانی درست و دقیق به مردم (عوامل ۱-۲-۳-۵-۸-۹-۱۴ و ۱۷) دارای نقش مستقل در مدل ایجاد شده هستند. در مدل ISM این عوامل در سطوح چهارم و پنجم قرار گرفتند و در نمودار میک‌مک این عوامل در قسمت متغیرهای مستقل جای گرفتند. قدرت نفوذ عوامل مذکور بین ۱۴ و ۱۵ می‌باشد که نشان می‌دهد این عوامل علاوه بر خود بر ۱۳ تا ۱۴ عامل دیگر تأثیر دارند و میزان وابستگی آن‌ها بین ۱ تا ۸ است که تأثیرپذیری اندک این عوامل را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر هنگامی که حقوق مردم رعایت شود، دینداری و اندیشه‌های دینی مدیران تقویت گردد، عدالت و انصاف در میان مدیران وجود داشته باشد، دولت، اصول مردم سالاری دینی را رعایت نماید، نگرش سیاسی مدیران بهبود یابد، مبارزه با فساد سرلوحه کار مدیریت باشد و خود مدیران از فساد دوری کنند و در نهایت اقتصاد به درستی مدیریت و تمامی اقدامات سازمان به طور شفاف به مردم اطلاع رسانی شود، می‌توان شاهد تقویت سرمایه سیاسی مدیران بود. عوامل مذکور نقش مستقل را در مدل سرمایه سیاسی مدیران ایفا می‌کنند و پیامدهایی در این رابطه دارند. نتایج نشان داد که عوامل حمایت سیاسی احزاب و گروه‌ها و... از دولت، مقبولیت و شخصیت مدیران دولتی، اقتدار و قدرت اجرایی مدیران دولتی، مشروعیت سیاسی مدیران دولتی، سرمایه اجتماعی مدیران دولتی، توجه به عمران و آبادانی کشور، اعتماد مردم به مدیران، سرمایه فرهنگی مدیران دولتی و مشارکت عمومی مردم در انتخابات، همه پرسسی، اجتماعات (عوامل ۴-۶-۷-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳ و ۱۶) دارای نقش وابسته هستند. این عوامل در مدل ISM در سطوح اول، دوم و سوم قرار گرفته و در تجزیه و تحلیل میک‌مک در قسمت متغیرهای وابسته قرار گرفتند. در جدول میک‌مک عوامل مذکور دارای وابستگی میان ۱۳ تا ۱۶ هستند که نشان می‌دهد این عوامل علاوه بر خود، از ۱۲ الی ۱۵ عامل دیگر تأثیر می‌پذیرند و تأثیرپذیری بالایی دارند اما قدرت نفوذ آن‌ها بین ۱ تا ۹ است. می‌توان بیان کرد که هنگامی که عوامل مستقل که در بالا بدان اشاره شد، اجرا شود می‌توان شاهد نتایج این متغیرها در سطح اجتماع شد. بدین گونه حمایت مردم و احزاب از مدیران افزایش می‌یابد، اقتدار و قدرت مدیران اجرایی بهبود پیدا می‌کند، مدیران سیاسی مشروعیت و مقبولیت می‌یابند و بدین ترتیب مشارکت مردم در انتخابات و هم‌پرسی‌ها افزایش می‌یابد و در نهایت سرمایه اجتماعی و فرهنگی تقویت و اعتماد عمومی حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، افزایش اعتماد سیاسی در ابعاد امنیتی موجب

تعامل بیشتر و بهتر بین مردم و دولت و مشارکت سیاسی مردم می‌شود و در عوض، کاهش آن موجب حمایت و پشتیبانی نکردن مردم از مسئولان، رعایت نمودن قوانین و مقررات مگر به اجبار، حمایت نمودن از برنامه‌های دولت، کاهش مشارکت سیاسی، فرار از پرداخت مالیات، سرایت بی‌اعتمادی به نهادها و سازمان‌های دولتی و در موارد خیلی حاد، موجب بحران مشروعیت می‌شود، به همین دلیل اعتماد سیاسی و سرمایه سیاسی مبتنی بر نگرش به دموکراسی همیشه یکی از کانون‌های توجه مسئولین بوده است و به روش‌های مختلف سعی در افزایش آن داشته‌اند.

با توجه به مطالب و نتایج بیان‌شده، باید گفت که در جوامع کنونی مردم‌سالاری به الزامی برای حکمرانی تبدیل شده است و شهروندان خواهان نقش فزاینده‌تری در اتخاذ تصمیمات هستند اما باید دانست که مشارکت حداکثری تنها الزام تحقق مردم‌سالاری حقیقی نیست بلکه به پیش‌شرط‌های دیگری چون اعتماد سیاسی، دانش سیاسی، هنجارپذیری سیاسی مردم‌سالارانه و شبکه‌های سیاسی نیاز است. همه این مفاهیم، بازنمای مفهومی با عنوان سرمایه سیاسی است که توانایی شهروندان را برای متأثر ساختن سیستم سیاسی‌شان افزایش می‌دهد. مواردی همچون مردم‌سالاری دینی، ایجاد اعتماد سیاسی، نگرش سیاسی، مشارکت، صداقت، شخصیت و غیره عوامل اثرگذار بر ایجاد سرمایه سیاسی هستند. باید گفت مسائلی مانند فساد یا ناشیستگی سیاسی، وابستگی سیاسی و اقتصادی به بیگانگان، پایین‌تر دانستن مردم، احساس بی‌نیازی به مردم، ترس مردم از دولت، عدم تطبیق گفتار و رفتار دولتمردان، تورم یا بیکاری بالا، عملکرد اقتصادی ضعیف و... موجب از بین رفتن سرمایه و اعتماد سیاسی می‌شود. بنابراین مدیران دولتی باید به این موارد دقت زیادی داشته باشند؛ چرا که رفتار نادرست آنها تنها به خود آنها ضربه نمی‌زند بلکه جامعه و اعتماد جامعه را نیز خدشه دار می‌کند. با توجه به این مطالب پیشنهاد می‌شود که مدیران دولتی در رفتار و گفتار خود صادق باشند، خداترس و دیندار بوده و از فساد اداری دوری نمایند. کاهش اعتماد سیاسی، می‌تواند موجب تظاهرات علیه دولت، خشم و عصبانیت ملت، نقض قوانین، فرار مالیاتی، تضییع اموال عمومی، کارشکنی در اجرای امور، تنهایی دولت در شرایط جنگ و تحریم و در نهایت بی‌ثباتی حکومت و آسیب‌پذیری سیاسی و نظامی حکومت شود. فعالان سیاسی باید بطور مداوم سرمایه سیاسی خود را افزایش دهند زیرا از این طریق اعتماد بنفس آنها افزایش می‌یابد، هنگامی که سرمایه سیاسی برای فرد ایجاد می‌شود ممکن است دائم و کلی نباشد و فقط حمایت گروه و احزاب خاصی را داشته باشد. باید دانست که سرمایه سیاسی شامل دو بخش ویژگی‌های فردی حاکمان از جمله داشتن

تقوای الهی، توجه آنها به اخلاق و معنویت، صداقت، حسن تدبیر و حسن ظن نسبت به مردم بود و نیز رفتار حاکمان با مردم مانند خدمت به آنها، رعایت عدالت و انصاف، رفق و مدارا و عدم تبعیض و نیز توجه به عمران و آبادانی کشور است که مدیران دولتی باید هر دو بخش را مد نظر قرار دهند. و در این تحقیق مشخص گردید که نگرش سیاسی مدیران، مردم سالاری دینی و دینداری و اندیشه‌های دینی بیشترین اثرگذاری را در ایجاد سرمایه سیاسی دارند.

### کتابنامه

- امیری پریان، فاطمه و کشیشیان سیرکی، گارینه. (۱۳۹۹). بررسی کارکرد((اعتماد)) و ((مدارای سیاسی)) در نظریه ((قرارداد اجتماعی)) توماس هابز. فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر. سال یازدهم. سال یازدهم. شماره ۲. ۲۶-۳.
- ستار دستناتی، بهرام. بخشایشی اردستانی، احمد. الله کرم، عبدالحسین (۱۴۰۱). گفتمان‌های سیاسی و نقش آنها در مشارکت و جمهوریت مردم. جستارهای سیاسی معاصر سال ۱۳. شماره ۲، ۱۱۸-۸۹.
- درخشه جلال، افتخاری اصغر، رادی محسن. (۱۳۹۴). تحلیل مضمونی اعتقاد در اندیشه آیت الله خامنه‌ای. فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر. سال ششم. شماره ۳. ۷۲-۵۱.
- درخشه جلال و لطیفی سیدعلی. (۱۳۹۷). نظام سیاسی مطلوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله مصباح‌یزدی. فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر. سال نهم. شماره ۴. ۲۰۴-۱۷۳.
- رهبر، عباسعلی. و ذوالفقاری، علی. (۱۳۹۶). تبیین رابطه اعتماد و مشارکت سیاسی و نگرش نسبت به دمکراسی با تاکید بر امنیت(مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد اسلامی و پیام نور). فصلنامه علمی-پژوهشی: امنیت پژوهی. شماره ۵۷، ۱۶۳-۳۵.
- شایگان فریبا. (۱۳۹۴). شاخص‌های اعتقاد سیاسی از دیدگاه حرت علی (ع). فصلنامه علمی-پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی. شماره ۱۴. ۱۵۰-۱۳۸.
- عبادی، نغمه، قلی‌پور، آرین. و پیران‌نژاد، علی. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل اثرگذار بر سرمایه سیاسی. پژوهشنامه علمی-پژوهشی فرآیند مدیریت توسعه. شماره ۲۷، ۵۱-۲۹.
- مرادی، سالار. و دلاور ابوالفضل. (۱۳۹۸). سنجش اعتماد سیاسی و شناسایی عوامل موثر بر آن در استان کردستان. پژوهشنامه علمی-پژوهشی راهبردی سیاست. شماره ۲۹. ۱۱۰-۸۱.

Bourdieu, P. (1991). *Language and symbolic power*. Harvard University Press.

Cao, X., Pan, X., Qian, M., & Tian, G. G. (2017). Political capital and CEO entrenchment: Evidence from CEO turnover in Chinese non-SOEs. *Journal of Corporate Finance*, 42, 1-14.

- Costello, L. (2019). Interviews with Library Directors Suggest That Political Capital is Linked to Reputation. *Evidence Based Library and Information Practice*, 14(1), 56-58.
- Feng, Y., Song, C., & Yang, B. (2020). The role of political capital on private equity placement acquisition for Chinese publicly listed private sector enterprises. *Journal of the Asia Pacific Economy*, 1-20.
- González, F., & Prem, M. (2018). The value of political capital: Dictatorship collaborators as business elites. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 155, 217-230.
- Hyun Jung Yan . (2020) . Polls and Election Beyond Political Capital: Do Social and Economic Capital Matter? . Feature Presidential Studies Quarterly . 11 . <http://onlinelibrary.weily.com>  
DOI:10.1111/psq.12634 . (1-22)
- Hou, J. Z., & Zhu, Y. (2020). Social capital, guanxi and political influence in Chinese government relations. *Public Relations Review*, 101885.
- Jha, A., Boudreaux, C. J., & Banerjee, V. (2018). Political leanings and social capital. *Journal of behavioral and experimental economics*, 72, 95-105.
- Li, Z., & Cheng, L. (2020). What do private firms do after losing political capital? Evidence from China. *Journal of Corporate Finance*, 60, 101551.
- Ling, J., Xu, L., & Zhang, W. (2019). The contingent value of entrepreneurs' political capital: evidence from China. *Journal of Asia-Pacific Business*, 20(3), 1-27.
- Liu, Q., Tang, J., & Tian, G. G. (2013). Does political capital create value in the IPO market? Evidence from China. *Journal of Corporate Finance*, 23, 395-413.
- Ocasio, W., Pozner, J. E., & Milner, D. (2020). Varieties of political capital and power in organizations: A review and integrative framework. *Academy of Management Annals*, 14(1), 1-79.
- Thomson, T. L. (2007). *Examining dimensions of political discussion and political knowledge* (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
- Wang, D., Cui, L., Vu, T., & Feng, T. (2022). Political Capital and MNE Responses to Institutional Voids: The case of Chinese state-owned enterprises in Africa. *Organization Studies*, 43(1), 105-126.
- Waxham, R. E. (2019). *On Power & Political Capital: How Political Capital Shapes Our Nation and Is Co-Constructed by Elites* (Doctoral dissertation, The George Washington University).
- Xia, T., & Liu, X. (2022). The innovation paradox of TMT political capital in transition economy firms. *Journal of Business Research*, 142, 775-790.
- Yedong, f. Ciheng, s. Baili,y.(2021) The role of political capital on private equity placement acquisition for Chinese publicly listed private sector enterprises. *Journal of the Asia Pacific Econom*, 2021 - 26. 1-21
- Yun, H. J. (2020). Polls and Elections: Beyond Political Capital: Do Social and Economic Capital Matter?. *Presidential Studies Quarterly*. 1-22
- Yu, H., Nahm, A., & Song, Z. (2023). State-owned enterprises' political capital, city administrative rank and economic resources acquisition: Empirical evidence from Chinese capital markets. *Managerial and Decision Economics*, 44(1), 28-42.